

نقاشی قهوه‌خانه‌ای

پای صحبت ایرج نبوی

قهوه‌خانه سرچشمه گرفته است. روزگاری قهوه‌خانه نبض ذوق و اندیشه ایرانی بوده.

قهوه‌خانه عمری دراز دارد، درازتر از تمدن و تاریخ بسیاری از کشورهای صاحب نام امروز، و در این عمر دراز قهوه‌خانه سینه به سینه حافظ میراث کهن سال اندیشه و ذوق سنتی ایران بوده است.

قهوه‌خانه روزگاری کار تمام وسائل ارتباط جمعی را انجام میداده است. مرکز خبر، مرکز نقالی، پاتوق و محل تجمع بوده که متأسفانه این مرکز و این محل سنتی امروز با تمام سعی و کوششی که در حفظ آن میشود، در حال زوال و نابودی است، و دیگر قهوه‌خانه به آن شکل گذشته وجود ندارد، و اگر هم باشد، اسم اصلی خود را از دست داده و «تربا» نامیده میشود. قهوه‌خانه حافظ سنتهای ایرانی بود، سنتهایی که مکتوب و مضبوط نبود، بلکه سینه به سینه میگشت و بجاست که نهایت سعی و کوشش خود را در راه حفظ این گهواره سنت‌های عامیه بکار ببریم. البته در این زمینه فعالیتهایی هم شده می‌شود.

یکی از سنت‌های قهوه‌خانه، نقاشی قهوه‌خانه است. آن نوع نقاشی که در هجوم مکتب‌های نقاشی غرب، در حال زوال بود ولی برای نسل جدید بصورت کشفی درآمده که مرور به گذشته را باعث شده است بهر حال بازگشت و مروری در گذشته، اگرچه همراه با تقنن باشد، باز کلیدی است و مفتاحی.

متأسفانه با همه کوششی که هم اکنون در حفظ این سنت - نقاشی قهوه‌خانه‌ئی - میشود، خطرانی آنرا تهدید میکند و آن اینست که عده‌ای بی‌مایه کارهای کپی‌ه‌ئی ناشیانه‌ئی درست میکنند و با کهنه کردن بوم و تابلو و امضاءهای جعلی باعث شکست و از بین رفتن این هنر میشوند.

از نبوی می‌پرسم:

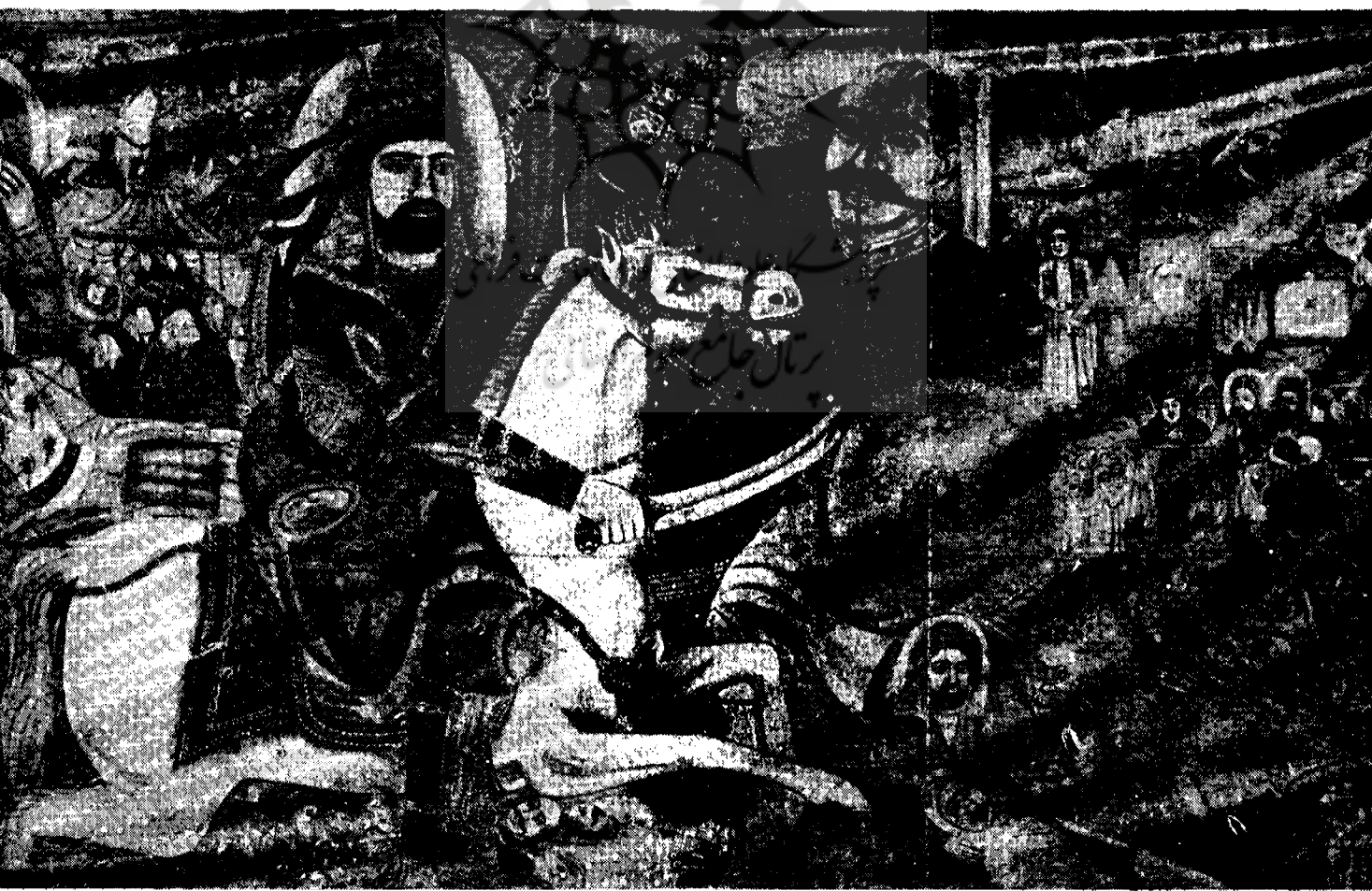
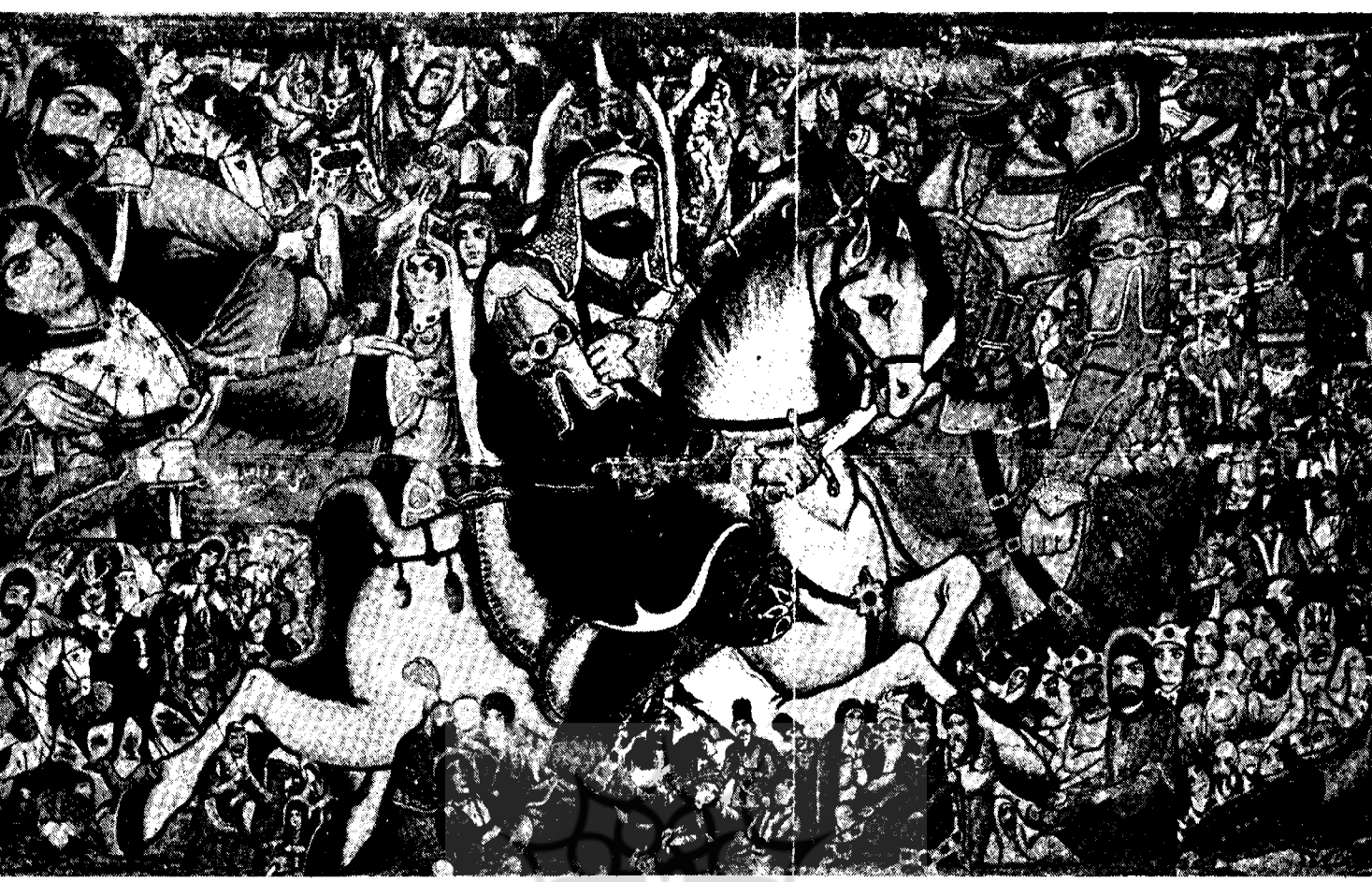
نقاشی قهوه‌خانه‌ئی و پرده‌های تماشائی جالبی که توسط هنرمندان کوچک و بازار - و چه بسا گمنام - در این زمینه آفریده شده، تصویر تمام‌نمای ذوق و اندیشه و هنر آفرینندگان آن است و نیز نمایشگر دید هنری و برداشت ذهنی این گروه، از پدیده‌های سنتی و اجتماعی این مرزوبوم. این پرده‌ها، که سنت‌ها، اعتقادات و رسوم ما را تصویر میکنند، اکنون پدیده‌ئی دیدنی و نگاهداشتنی از هنر سنتی ایران بشمار می‌روند و بهمین سبب، بخاطر حفظ آثار هنری این شیوه از تصویرگری، که نماهائی از اعتقادات و فرهنگ توده‌ها دربردارد، کسانی هستند که به جمع‌آوری آنها همت ورزیده‌اند، کسانی که بی‌هیاهو، با فراهم آوردن این آثار، از فراموش شدنشان رهائی می‌بخشند و درجاودان شدنشان میکوشند....

«ایرج نبوی» از این گروه است، نبوی، نویسنده و روزنامه‌نگار معروف، سال‌هاست که همت کرده و به جمع‌آوری نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ئی پرداخته است بهمین مناسبت پای صحبت او نشسته‌ایم که صاحب مجموعه‌ئی تماشائی و همچنین مطالعات وسیعی در زمینه «نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ئی» است.

نبوی را درگیراگیر کار و مشغله فراوان پیدا می‌کنم و تقاضایم را درباره «گفت‌و شنودی پیرامون نقاشی قهوه‌خانه‌ئی» با او مطرح می‌کنم و او که به این موضوع دل‌بستگی فراوان دارد، برای اینکه - شاید گفت‌وگویی ما - در روشن نمودن برخی زوایای تاریخ این هنر سنتی، سهمی داشته باشد و دیگران را نیز به این مهم توجه دهد، خواهش را می‌پذیرد و چند دقیقه‌ای از وقتش را در اختیارم می‌گذارد تا با او به گفتگو بنشینم.

- قبل از هرچیز از آقای نبوی خواهش میکنم که کمی درباره نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ئی صحبت کند و او اینطور آغاز سخن مینماید:

نقاشی قهوه‌خانه‌ئی یکی از هنرهای سنتی است که از





تابلو بزم لوطی ۱۰۰ × ۷۵ سانتیمتر

روی داستانهایی که میشنیدند ، تابلویی بوجود میآوردند .
و اکثراً این تابلوها در همان قهوه‌خانه‌ها برای تزئین نصب
میگردید .

مطلب دیگری هم در این مورد هست و ممکن است مجله شما
هم در این مورد نقشی بعهد بگیرد ، و آن رسیدگی و توجه
به وضع این چند نفری است که در این رشته کار میکنند و شما
میتوانید بجای اینکه با آدمی مثل من که هنر من فقط
جمع‌آوری این تابلوهاست گفتگو کنید پای صحبت خود آنها
بنشینید و نظریات و تجربیات آنها را ثبت و در دسترس

چرا این نوع نقاشی به نقاشی قهوه‌خانه‌ای موسوم شده
است ؟

و او در پاسخ اظهار می‌دارد که : - بخاطر اینکه ،
نقاشان پای گفتگوی نقال‌ها در قهوه‌خانه‌ها می‌نشستند و از

صفحه مقابل :

بالا : پرده ۱۷۰ × ۳۱۰ سانتیمتر

پائین : پرده ۱۶۰ × ۳۰۰ سانتیمتر

علاقه‌مندان قرار دهند .

به آقای نبوی می‌گویم فکر جالبی است و اتفاقاً ما در صدد این کار هستیم ، سپس سؤال بعدیم را اینطور طرح می‌کنم :

چرا این نوع نقاشی يك مرتبه جلب توجه کرد و مطرح شد .

— تصور من اینستکه مقدار زیادی اصالت کار و وجود جلوه‌هایی از زندگی شرقی . بخصوص ، محسوس بودن فضا و محیط در این نوع نقاشی باعث جلب توجه شده است . شما از روی يك تابلو قهوه‌خانه‌ئی ، فضای زندگی يك محیط را بخوبی درك می‌کنید . اصولاً پس از چند مدتی گهگاه يك تپی بوجود می‌آید و عده‌ای را پای‌بند میکند . این تب با توجه به اصالت موضوع ممکن است زودتر یا دیرتر از بین برود . در نقاشی قهوه‌خانه‌ئی ، مایه‌هایی از «مینیاتور» را میتوان یافت .

همانگونه که میان شعرهای فارسی والا و داستانهایی که به اثر پرداخته شده است رابطه‌ای موجود است . وبهمان صورت که نقل و داستانرایی قهوه‌خانه در نقطه اوج خود از شعر چاشنی و کمک می‌گیرد ، گاه تابلوهای قهوه‌خانه‌ئی نیز نقطه‌ئی و حالتی به ظرافت و نازك خیالی مینیاتور پیدا می‌کند . اما البته همیشه چنین نیست نقاش قهوه‌خانه‌ئی بطور ناخودآگاه علاقه خودش را به قهرمان تابلو ، با مقدار سطحی که به قهرمان میدهد نمایان می‌سازد . — در مورد بزرگی سطح تصویر و ارتباط آن با قهرمان سؤال برای مطرح میشود بلافاصله نبوی در این باره می‌گوید :

... وقتی که تابلوهای رستم و سهراب را تماشا کنید ، می‌بینید که ، بیشتر فضای تابلو را تصویر رستم می‌گیرد ، این دلیل علاقه نقاش به شخصیت قهرمان است .

می‌پرسم : به نظر شما که تابلوهای زیادی دیده‌اید . چه چیزهایی بیشتر سوژه‌های این تابلوها را تشکیل میدهد ؟ اظهار میدارد که : اکثر این تابلوها يك سوژه اصلی دارد و چند سوژه فرعی . که در این سوژه‌ها معتقدات مذهبی و سنتی پایه قرار می‌گیرد .

نقاشی قهوه‌خانه‌ئی قبل از هر چیز بازگوکننده دنیای نقاش و خالق اثر است . این نوع نقاشی هیچگونه ضابطه و «استاندارد»ی را نمی‌پذیرد ، و هرگز هیچیک از نمونه‌های آن ملاك داوری قطعی درباره نمونه‌های دیگر نمیشود . بدنیای «نقاش قهوه‌خانه‌ئی» که قدم گذاشتید ، همه و همه تنوع و وسعت يك زندگی است که رو در روی شما موج می‌زند .

داوری مطلق در این دنیا راهی ندارد و حتی درباره رنگ‌ها — با همه محدودیت و مشخص بودن — نیز باسانی نمیتوان تن بيك داوری یگانه و قاطع داد . قلمرو نقاش قهوه‌خانه ، قلمرو وسیع و پردامنه‌ئی است . رایج‌ترین نمونه‌ی تابلو قهوه‌خانه ، چهره‌سازی است ، همراه با جلوه‌هایی از عرفان و تصوف و شیوه‌های ظهور این معنا ، بصورت دراویش گیسو افشانده و تبرزین در بغل گرفته و با «من تشا» و «کشکول» و گاهی هم چهره سلاطین قدیم و بزرگان ، با رسمیتی کامل که خود ناشی از رابطه اجتماعی نقاش و اندیشه‌ئی است که او از صاحب چهره دارد ، و چهره‌سازی‌های دیگر که یادگارهایی از هر گروه و بازتابی از خاطرات و یادهای سنتی این چهره‌ها است . زنان نوازنده ، زنان پردگی ، زن قجر «که در اصطلاح قدیم معنی خاص داشته است» ، زن عاشق ، زن بزم آرا و صراحی در دست ، زن آینه

و در این چهره‌سازیهاست که رنگ‌های معدود و قالب‌های محدود نقاشی قهوه‌خانه‌ئی بحرکت و تغییر می‌گراید و چندان که در آغاز بنظر می‌آید ، یکنواخت و بی تغییر نمی‌مانند . سؤالی در مورد پیدایش این هنر دارم و می‌پرسم : ممکن است بفرمائید این هنر از چه زمانی در ایران آغاز شده است ؟

آقای نبوی می‌گوید : سخن درباره اینکه این هنر از چه وقت آغاز شده است بسیار است شاید بتوان از نظر محتوی و فرم رابطه‌ئی بین مجلس‌های مذهبی ، بین مجلس‌های «تغزیه» و تابلوهای نقاشی مذهبی کلیساها پیدا کرد ، و این رابطه حدی دورتر از آن باید داشته باشد که در نخستین دیدار می‌نماید و این خود محتاج تحقیقاتی است وسیع که بتوان منشأ پیدایش نقاشی قهوه‌خانه یا روشن‌تر بگویم نقاشی ایرانی را پیدا کرد .

میتوان گفت که نقاشی قهوه‌خانه در حد خود فنی است که پایه‌ها و مبانی مشخصی دارد . نخستین خصالت این هنر ، اصالت چهره‌سازی است . بصورتیکه حتی در پرداخت مجلس‌ها نیز تکیه نقاش را بر روی چهره‌ها باسانی میتوان دریافت و تابلو بی‌وجود چهره‌ها ، هیچ ندارد .

طبیعی است که حالت و حرکت در تابلوها محدود است و نیز در مجلس رزم ، شکار ، و خاصه در مجلس تغزیه ، هر نقش در صورت انسان ، تا اسب ، شیر ، گیاه ، بی‌آنکه خود مطلبی را برساند ، نشانه موضوع و روایتی است که با آگاهی ، از دیدن مجموعه‌ی آنها بیننده رابطه موضوع و روایت را با مجلس می‌شناسد .

آیا در جمع‌آوری این تابلوها اصالت مطرح است یا سبک کار ؟



سه تار ۷۰ × ۱۰۰ سانتیمتر

پژوهشگاه علوم انسانی

رتال جامع علوم انسانی

خود این صحنه‌ها و مراسم در شیوه‌ها و روال مسائل سنتی دور میزند. همانطور که قبلاً هم گفتم، دنیای نقاش قهوه‌خانه‌ئی، دنیای خاص خود اوست و کار هر کدام از اینها فضائی خاص خود دارد. مثلاً در تک چهره‌هایی که «حسین همدانی» میسازد بیشتر ظرافت مینیاتور دیده میشود و اصولاً کارهای او مقدار زیادی به مینیاتور نزدیک است. ناگفته نماند که من در جمع‌آوری این مجموعه، نسبت به سایر کلکسیونرها شاید خیلی مبتدی باشم. افرادی هستند که مجموعه‌های قهوه‌خانه‌ئی خیلی نفیس دارند.

— من اصولاً روی جمع‌آوری آثار سبک قهوه‌خانه‌ئی کار میکنم و تابلوهائی که در این سبک باشد جمع میکنم و تا آنجا که بتوانم تشخیص دهم، سعی میکنم تابلوهائی را جمع کنم که اصالت هم داشته باشد. چون در کارهای اصیل قهوه‌خانه‌ئی چیزهائی هست که بآن قدر و منزلت میدهد. مثلاً چهره‌ی زنان تابلوهای قهوه‌خانه‌ئی را شما امروز در خیابان نمیتوانید پیدا کنید.

همچنین، لباسها، آلات، تزئینات و و تابلوهائی که پرداخت و تجسم صحنه و بزم است،



رقص با دایره ۱۰۷ × ۷۰ سانتیمتر

رتال جامع علوم انسانی

گفتید که افرادی هستند که مجموعه‌های نفیس دارند. ممکن است چند نفری را نام ببرید ؟

– البته من شنیده‌ام ، اما کلکسیون آنها را ندیده‌ام .
 شنیده‌ام که خانم فرمانفرمایان ، آقای مهندس مقتدر و آقای دکتر صدریه ، کلکسیونهای خوبی از نقاشیهای قهوه‌خانه‌ئی دارند . لیکن عده‌ای از روی تفنن به این مهم پرداخته و بآن توجه میکنند ، هر چند که جمع‌آوری کردن و کلکسیونر بودن مقدار زیادی با تفنن همراه است ، ولی علاقه‌ای که بمرور زمان در من بوجود آمده از تفنن بالاتر است و قدری

جدی‌تر ، به این موضوع نگاه میکنم .

چه انگیزه‌ای در جمع‌آوری این مجموعه داشتید ؟

– علاقه و سلیقه شخصی خودم .

چند سال است که به این کار پرداخته‌اید ؟

– این کار را از حدود ده سال قبل شروع کردم و غیر از چند تابلو خیلی قدیمی که در این شیوه پیدا کردم بقیه تابلوهاییم از زمان «قولر» به بعد است .

از آقای نبوی میپرسم چند تابلو تاکنون فراهم آورده‌اید میگوید دوست تابلو و بعد درباره نقاشان این شیوه

که کارشان مورد پسند افتاد اظهار میدارد .

— «حسن اسماعیلزاده» . «فتح الله قولر» ، که پسر حسین قولر آغاسی است . «بلوکی فر» و «حسین همدانی» از جمله نقاشانی هستند که من می‌شناسم و کارشان را می‌پسندم .

می‌پرسم : عده‌ای از نقاشان جوان هم بنازگی به این شیوه رو آورده‌اند و در این زمینه فعالیت میکنند نظر شما در این باره چیست ؟

نبوی میگوید — اگر این کار بصورت تجارت درنیاید و بصورت تقلید صرف نباشد ، کارشایسته‌ای است . میدانید که در کارهای قهوه‌خانه‌ئی قبل از هر چیز سبک کار و سوژه نقاش و حفظ سنت مطرح است . و این جز از راه تجربه بدست نمی‌آید . ببینید ، باین میماند که نویسنده‌ای مثلاً میخواهد مطلبی درباره بازار بنویسد . یک نویسنده میتواند در اطاق بنشیند و با استعانت از محفوظات خود این مطلب را بنویسد . ولی نویسنده‌ای دیگر ، محفوظات خود را بعنوان استعانت بکار نمیبرد بلکه به بازار میرود ، بازار را می‌بیند ، تجربه میکند . در مورد این شیوه نقاشی هم چنین است . کار نقاشی که قهوه‌خانه را می‌شناسد . شبهای زیادی را در آنجا پای صحبت نقال بسر برده ، با نقاشی که در یک آتلیه خیلی شیک و مجهز نشسته و تنها بکمک برداشت ذهنی خود

نابلوئی را بوجود می‌آورد ، کار این دو با هم تفاوت بسیار زیادی دارد . درست مثل نویسنده‌ای که بطریق عینی مطلب را تجربه کرده باشد و نویسنده‌ای که با برداشت ذهنی بنویسد .

آیا قصد ندارید نمایشگاهی از این تابلوها ترتیب دهید ؟ — چرا ، قصد من اینست که یک نمایشگاه دائمی تابلوهای قهوه‌خانه‌ئی ترتیب دهم و اگر توفیق حاصل شود قصد دارم این گالری را بصورت یک مرکز بحث و گفتگو درباره هنر درآورم .

یکی از برنامه‌های بعدی من ، داستانهای یک پرده است . بدین شکل که عده‌ای از پرده‌خوانها را بیاورم و روایت‌های مذهبی گوناگون مربوط به یک پرده را با صدای خود آنها ضبط کنم و بصورت کتابی درآورم .

... گفتنی درباره قهوه‌خانه و سنت‌ها و هنرهای آن بسیار است و دنیای نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ئی دنیائی خیلی قشنگ ، و همه اینها بحثی گسترده دارد . دلم میخواست فرصت بیشتری بود ، و در این باره بیشتر بحث میکردیم .

و من هم با تشکر از آقای نبوی میگویم : ما هم امیدواریم بازهم فرصتی پیش آید تا در این باره بیشتر به گفتگو بنشینیم .

زن‌ها ۱۶۰ × ۱۴۰ سانتیمتر



بزم زنانه ۱۶۰ × ۱۴۰ سانتیمتر

